



## هدیه دادن از نظر احادیث



- نقش هدیه در ایجاد محبت و دوستی
- حرام بودن هدیه دادن به کارگزاران حکومتی
- نهی از پذیرفتن هدیه مشرک
- تشویق به پذیرفتن هدیه
- انواع هدیه
- بهترین هدیه
- پس گرفتن بخشش
- آداب هدیه دادن
- هدیه کردن به اماکن متبرکه

## نقش هدیه در ایجاد محبت و دوستی

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :

تَهَادُوا تَحَابُّوا ، تَهَادُوا فَإِنَّهَا تَذْهَبُ بِالصَّغَائِنِ .

به یکدیگر هدیه دهید، تا نسبت به همدیگر با محبت شوید. به یکدیگر هدیه دهید؛ زیرا هدیه کینه ها را می برد.

( الکافی : ۵/۱۴۴/۱۴ )

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :

تَهَادُوا ؛ فَإِنَّ الْهَدِيَّةَ تَسِيلُ السَّخَائِمَ ، وَ تُجْلِي صَغَائِنَ الْعَدَاوَةِ وَ الْأَحْقَادِ .

برای یکدیگر هدیه ببرید؛ زیرا هدیه بد خواهی ها را [از دل ها] بیرون می کشد و کینه های دشمنی و نفرت ها را برطرف می کند.

( الکافی : ۵/۱۴۴/۷ )

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :

الْهَدِيَّةُ تُدْرِكُ الصَّغَائِنَ مِنَ الصُّدُورِ

هدیه دادن، کینه ها را از سینه ها می برد.

( عیون أخبار الرضا : ۲/۷۴/۳۴۳ )

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :

الْهَدِيَّةُ تُورِثُ الْمَوَدَّةَ ، وَ تَجْدُرُ الْأُخُوَّةَ ، وَ تَذْهَبُ الصَّغِيئَةَ ، تَهَادُوا تَحَابُّوا .

هدیه دادن محبت می آورد و برادری را نگه می دارد و کینه و دشمنی را می برد. برای یکدیگر هدیه ببرید تا دوستدار هم شوید.

( بحار الأنوار : ۷۷/۱۶۶/۲ )

امام علی علیه السلام :

لَأَنْ أُهْدِيَ لِأَخِي الْمُسْلِمِ هَدِيَّةً تَنْفَعُهُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَتَصَدَّقَ بِمِثْلِهَا .

اگر به برادر مسلمان خود هدیه ای دهم که به کارش آید، خوشتر است نزد من از اینکه همانند آن هدیه صدقه دهم.

( الکافی : ۵/۱۴۴/۱۲ )

## تَهَادُوا تَحَابُّوا ؛ فَإِنَّ الْهَدِيَّةَ تَذَهَبُ بِالضَّغَائِنِ .

هدیه رد و بدل کنید تا به همدیگر با محبت شوید؛ زیرا هدیه کینه ها را از بین می برد.

(بحار الأنوار: ۷۵/۴۴/۱)

### حرام بودن هدیه دادن به کارگزاران حکومتی

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :

## الْهَدِيَّةُ إِلَى الْإِمَامِ غُلُولٌ .

هدیه دادن به زمامدار [گونه ای غلول] است.

(کنز العمال: ۱۵۰۶۲)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :

## هَدَايَا الْعُمَّالِ غُلُولٌ .

هدایایی که به کارگزاران پیشکش می شود، خیانت است.

(کنز العمال: ۱۵۰۶۷)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :

## هَدَايَا الْعُمَّالِ حَرَامٌ كُلُّهَا .

هدایایی که به کارگزاران داده می شود، همگی حرام است.

(کنز العمال: ۱۵۰۶۸)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :

## مَنْ سَفَعَ لِأَخِيهِ شَفَاعَةً فَأُهْدِيَ لَهُ هَدِيَّةٌ عَلَيْهَا فَقَبِلَهَا مِنْهُ ، فَقَدْ أَتَى أَبَا عَظِيمَا مِنْ أَبْوَابِ الرِّبَا .

هر کس برای برادر خود وساطتی بکند و او به خاطر آن وساطت برایش هدیه ای ببرد و او آن هدیه را بپذیرد، هر آینه به در بزرگی از درهای ربا وارد شده است.

(کنز العمال: ۱۵۰۷۰)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :

## يَا عَلِيُّ ، إِنَّ الْقَوْمَ سَيُفْتَنُونَ بِأَمْوَالِهِمْ ، وَ يَمْتُونُ بِدِينِهِمْ عَلَى رَبِّهِمْ ، وَ يَتَمَتُّونَ رَحْمَتَهُ ، وَ يَأْمَنُونَ سَطْوَتَهُ ، وَ يَسْتَحِلُّونَ حَرَامَهُ

## بِالشُّبُهَاتِ الْكَاذِبَةِ ، وَ الْأَهْوَاءِ السَّاهِيَةِ ، فَيَسْتَحِلُّونَ الْخَمْرَ بِالْبَيْزِ ، وَ السُّحْتِ بِالْهَدِيَّةِ ، وَ الرِّبَا بِالْبَيْعِ .

ای علی! بزودی مسلمانان به اموالشان مفتون خواهند شد و به خاطر دین (دینداری) شان بر خدا منت نهند و آرزوی رحمت او را کنند و از خشم او آسوده خاطر باشند و با شب ای دروغین و هوس های غفلت زا حرام او را حلال شمارند.

پس، شراب را به نام نیبذ حلال می کنند و رشوه را به نام هدیه و ربا را به نام خرید و فروش.

(نهج البلاغة: الخطبة ۱۵۶)

صحیح البخاری :

اسْتَعْمَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ رَجُلًا مِنْ بَنِي أَسَدٍ يُقَالُ لَهُ ابْنُ الْأَتَيْبَةِ عَلَى صَدَقَةٍ، فَلَمَّا قَدِمَ قَالَ: هَذَا لَكُمْ وَ هَذَا أُهْدِيَ لِي،

فَقَامَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَلَى الْمِنْبَرِ... فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ: مَا بَالُ الْعَامِلِ تَبِعْتُهُ، فَيَأْتِي فَيَقُولُ: هَذَا لَكَ وَ

هَذَا لِي؟! فَهَلَا جَلَسَ فِي بَيْتِ أَبِيهِ وَ أُمِّهِ فَيَنْظُرُ أَيُّهُدَى لَهُ أَمْ لَا؟ وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يَأْتِي بِشَيْءٍ إِلَّا جَاءَ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

يَحْمِلُهُ عَلَى رَقَبَتِهِ ، إِنْ كَانَ بَعِيرًا لَهُ رِغَاءٌ أَوْ بَقَرَةً لَهَا حُوَازٌ أَوْ شَاةً تَبِعُرُ .

پیامبر صلی الله علیه و آله مردی از بنی اسد به نام ابن اتیبیه . را مأمور جمع آوری زکات کرد. چون اموال زکات را آورد، عرض کرد: این برای شماست و این هم به خود من هدیه شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله بر منبر ایستاد...

و پس از حمد و ثنای خداوند، فرمود: چه شده است که کارگزار را می فرستیم و وقتی می آید می گوید: این از آن دوست و این از آن من؟! چرا در خانه پدر و مادرش نمی نشیند تا ببیند آیا باز هم برای او هدیه می آورند یا نه؟! سوگند به

آنکه جان من در دست اوست [آن کارگزار] هیچ چیز بر ندارد مگر اینکه روز قیامت آن را بر دوش خود همی کشد، اگر چه مشتری خروشان، یا گاوی نعره زن، یا گوسفندی بغ نغ کن باشد.

(صحیح البخاری: ۶/۲۶۲۴/۶۷۵۲)

و أعجب من ذلك طارقٌ طرقتنا بملفوفَةٍ في وعائها ، و معجونةٍ شينئتها ، كأنما عُججت بِرِيقِ حَبِيَّةٍ أو قَبِيها! فقلتُ : أ صلَّةُ أم زكاةُ أم صدقةُ ؟ فذلك مُحَرَّمٌ عَلَينا أهلُ البَيتِ ! فقال : لا ذا و لا ذاك ، و لِكِئها هَدِيَّةٌ ، فقلتُ : هَبِلتِكَ الهَبُولُ ! أ عن دينِ اللهِ . أ تَبِيتني لِتخدعني ؟ أ مُحْتَبِظُ أنتُ أم ذو جِنَّةٍ ، أم تَهْجُرُ ؟! و اللهِ لو أُعطيْتُ الأقاليمَ السَّبْعَةَ بما تَحْتُ أَفلاكِها ، على أن أُعصِي اللهَ في نَمَلَةٍ أَسْلُبُها جُلِبَ شَعِيرَةٍ ما فَعَلْتُه ... .

و شگفت تر از این، قصه آن شخصی است که شبانگاهی در خانه ما را کوبید و در دستش ظرف سر پوشیده [پیر از حلوایی لذیذ] بود، چنان از آن مشمنز شدم که گویی با آب دهان یا استفراغ ماری تهیه شده بود. به او گفتم: آیا این صله است، یا زکات، یا صدقه؟ زیرا که اینها بر ما خاندان حرام است! گفت: نه این است و نه آن، بلکه هدیه است. گفتم: زن فرزند مرده (مادرت) بر تو بگیرد! آیا از طریق دین خدا وارد شده ای تا مرا بفریبی؟ ابله شده ای، یا دیوانه، یا هذیان می گویی؟! سوگند به خدا که اگر هفت اقلیم را با آنچه در زیر افلاک آنهاست به من دهنده تا با بیرون کشیدن یک پوست جو از دهان مورچه ای خدا را نافرمانی کنم، هرگز نخواهم کرد....

( نهج البلاغة : الخطبة ٢٢٤ )

امام علی علیه السلام :

أیما والٍ احتجَبَ عن حوائجِ الناسِ احتجَبَ اللهُ یومَ القِیامةِ عن حوائجِهِ ، و إن أخذَ هَدِيَّةً كانَ غُلُولاً ، و إن أخذَ رِشوةً فهو مُشْرِكٌ .

هر حکمرانی که به مردم امکان و اجازه ندهد تا مشکلات و نیازهای خود را به گوش او برسانند، در روز قیامت خداوند نگذارد نیازهایش را به گوش او برساند و اگر [حکمرانی] هدیه ای بپذیرد آن خیانت باشد و اگر رشوه بگیرد مشرک است.

( بحار الأنوار : ٧٥/٣٤٥/٤٢ )

امام علی علیه السلام - درباره آیه «بسیار مال حرام می خورند» (المائدة : ٤٢) - فرمود :

هُوَ الرَّجُلُ یَقْضِی لِأَخِيهِ الحَاجَةَ ثُمَّ یَقْبَلُ هَدِيَّتَهُ .

مقصود کسی است که مشکل برادر خود را برطرف کند و آنگاه هدیه او را بپذیرد.

( جامع الأخبار : ٢٣٩/١٢٣٤ )

شرح نهج البلاغة - به نقل از نصر بن مزاحم - :

جاء عليٌّ عليه السلام حتى مرَّ بالأنبار فاستقبله ... دهاقینها .. ثم جاؤوا یشتدّون معه و بینَ یَدَیهِ و معهم بَرادِینُ، فقال علیه السلام : ما هذه الدوابُّ التي معکم ؟! و ما أردتُم بهذا الذي صنعتُم ؟!

قالوا : أما هذا الذي صنعنا فهو خلقٌ مِنّا نُعظّمُ بهِ الأُمراءَ ، و أما هذه البرادینُ فهديّةٌ لك ، و قد صنعنا للمسلمین طعاماً و هیأنا لِدوابِّكم علفاً كثيراً فقال علیه السلام : أما هذا الذي زعمتم أنه فيكم خلقٌ تُعظّمون بهِ الأُمراءَ ، فو الله ما یَنفَعُ ذلك الأُمراءَ ، و إنکم لتَشْفونَ بهِ على أنفسِكم و أبدانِكم ، فلا تُعودوا لَهُ و أما دوابُّكم هذه فإن أحببتم أن آخذها مِنكم ، و أحسبها لکم من خراجِكم ، آخذناها مِنكم

و أما طعامکم الذي صنعتم لنا ، فإننا نكرهه أن نأكلَ من أموالِكم إلا بِتَمَنِ قالوا : یا أمیرَ المؤمنین ، نحنُ نُقوّمُهُ ثُمَّ نَقْبَلُ ثَمَنَهُ ؟ قال : إذا لا تُقوّمونهُ قِیمَتَهُ، نحنُ نكتفی بما هو دُونُهُ قالوا : یا أمیرَ المؤمنین ، فإن لنا من العَرَبِ مَوالی و معارف ، أ تَمَنَعنا أن نُهدِی لَهُم أو تَمَنَعُهُم أن یَقْبَلوا مِنّا ؟! فقال : كُلُّ العَرَبِ لکم موالٍ ، و لیس یَنبغی لأحدٍ منَ المسلمین أن یَقْبَلَ هَدِيَّتِكم ، و إن

عَصَبِكم أَحَدٌ فأعلِمونا

قالوا : یا أمیرَ المؤمنین ، إنا نُحِبُّ أن تقبَلَ هَدِيَّتِنا و کرامَتِنا ، قال : و یحکم! فنحنُ أَعنی مِنكم . و تَرَکَهُم و سارَ .

امام علی علیه السلام هنگامی که در مسیر شام از انبار گذشت، زمین داران انبار به دیدار آن حضرت رفتند و در حالی که با خود تعدادی اسب تاتاری داشتند، در رکاب ایشان شروع به دویدن کردند. حضرت فرمود: این ستورانی که با خود دارید برای چیست؟ و مقصودتان از این کاری که کردید چه بود؟ عرض کردند: این کاری که کردیم، رسمی است که امیران خود را با آن تعظیم و احترام می کنیم و این اسب ها را نیز برای شما هدیه آورده ایم و برای مسلمانان نیز غذا تهیه کرده ایم و برای چهار پایانتان هم علوفه فراوانی آماده ساخته ایم حضرت فرمود: اقا اینکه گفتید این رسم شماست که با آن امیران خود را تعظیم و احترام می کنید، [بدانید که] به خدا سوگند این رفتار به امیران شما سودی نمی رساند و شما نیز با این کار جسم و جان خویش را به رنج می اندازید. پس دیگر این کار را تکرار نکنید و اما این ستوران شما، اگر دوست دارید آنها را از شما بپذیرم و به حساب خراجتان بگذارم آنها را از شما می گیرم و اما غذایی که برای ما تهیه کرده اید، ما خوش نداریم که از اموال شما چیزی بخوریم مگر در قبال پرداخت بهایش عرض کردند: ای امیر مؤمنان! ما آن را قیمت می گذاریم و سپس بهایش را می گیریم حضرت فرمود: در این صورت شما قیمت واقعی آن را نمی گوئید، بنا بر این، ما به همان آذوقه ای که خود داریم بسنده می کنیم عرض کردند: ای امیر مؤمنان! ما در میان عرب ها دوستان و آشنایانی داریم؛ آیا ما را از اینکه به آنان هم هدیه دهیم یا آنان را از اینکه از ما هدیه بپذیرند منع می فرمایید؟! حضرت فرمود: همه عرب ها دوستان شما هستند و هیچ مسلمانی نباید هدیه شما را بپذیرد و چنانچه کسی از شما به زور گرفت به ما اطلاع دهید عرض کردند: ای امیر مؤمنان! ما دوست داریم که شما هدیه و بخشش ما را بپذیرید. حضرت فرمود: وای بر شما! ما از شما بی نیازتریم. پس آنان را ترک کرد و به راه خود ادامه داد.

( شرح نهج البلاغة : ۲/۲۰۲ و ص ۲۰۴ )

## نهی از پذیرفتن هدیه مشرک

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :

إِنَّا لَا نَقْبَلُ هَدِيَّةَ مُشْرِكٍ .

ما هدیه هیچ مشرکی را نمی پذیریم.

( کنز العمال : ۱۴۴۷۵ ، ۱۴۴۷۶ )

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :

إِنَّا لَا نَقْبَلُ زَبَدَ الْمُشْرِكِينَ .

ما پیشکش مشرکان را نمی پذیریم.

( کنز العمال : ۱۵۱۰۴ )

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :

إِنِّي أَكْرَهُ زَبَدَ الْمُشْرِكِينَ .

من عطای مشرکان را خوش ندارم.

( کنز العمال : ۱۵۱۰۵ )

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله .

لَمَّا جَاءَ إِلَيْهِ مَلَاعِبُ الْأَيْسَةِ بِهَدِيَّةٍ ، فَعَرَضَ عَلَيْهِ النَّبِيُّ الْإِسْلَامَ فَأَبَى أَنْ يُسَلِّمَ . - فَإِنِّي لَا أَقْبَلُ هَدِيَّةَ مُشْرِكٍ .

به [جنگاوری به نام] ملاعب آسنه (نیزه باز) که هدیه ای برای رسول خدا صلی الله علیه و آله آورد و پیامبر صلی الله علیه و آله پذیرش اسلام را به او پیشنهاد کرد اما وی از مسلمان شدن امتناع ورزید . فرمود : من هم هدیه مشرکی را نمی پذیرم.

( کنز العمال : ۱۴۴۸۵ )

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله . به مردی که پیش از مسلمان شدن اسبی را برای ایشان هدیه آورد . فرمود :

إِنِّي أَكْرَهُ زَبَدَ الْمُشْرِكِينَ .

من عطای مشرکان را خوش ندارم.

( کنز العمال : ۱۴۴۸۷ )

کنز العمال . به نقل از عیاض بن حمار مجاشعی . - :

أَنَّهُ أَهْدَى إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ هَدِيَّةً أَوْ نَاقَةً، فَقَالَ : أَسَلَمْتُ ؟ قَالَ : لَا ، قَالَ : فَإِنِّي نُهِيتُ عَنْ زَبَدِ الْمُشْرِكِينَ .

وقتی برای حضرت هدیه ای یا شتری آورد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود : مسلمان شده ای؟ عرض کرد: نه. پیامبر فرمود: من از پذیرفتن عطای مشرکان نهی شده ام.

( کنز العمال : ۱۴۴۸۶ )

کنز العمال . به نقل از حکیم بن حزام . - :

حَرَجْتُ إِلَى الْيَمَنِ فَبِتَعَثُ حِلَّةَ نِي يَزْرَنَ ، فَأَهْدَيْتُهَا إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي الْمُدَّةِ الَّتِي كَانَتْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ قُرَيْشٍ ،

فَقَالَ : لَا أَقْبَلُ هَدِيَّةَ مُشْرِكٍ ، فَرَدَّهَا ، فَبِعْتُهَا فَاشْتَرَاها فَلَيْسَها ... .

به یمن مسافرت کردم و جامه ای نوپزنی خریدم و آن را در زمانی که رابطه میان رسول خدا صلی الله علیه و آله و قریش تیره بود به ایشان هدیه کردم. پیامبر فرمود: من هدیه هیچ مشرکی را نمی پذیرم و ردش کرد. من آن جامه را فروختم و پیامبر آن را خرید و پوشید....

(کنز العمال : ۱۴۴۷۲)

امام علی علیه السلام :

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَهَى عَنِ زَيْدِ الْمُشْرِكِينَ ؛ يُرِيدُ هَدَايَا أَهْلِ الْحَرْبِ .

رسول خدا صلی الله علیه و آله از پذیرفتن عطای مشرکان نهی فرمود؛ منظورش هدایای حربیان بود.

(الجعفریات : ۸۲)

امام صادق علیه السلام :

كَانَ عِيَاضٌ رَجُلًا عَظِيمَ الْحَظَرِ وَكَانَ قَاضِيًا لِأَهْلِ عُكَاظَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ ، فَكَانَ عِيَاضٌ إِذَا دَخَلَ مَكَّةَ أَلْقَى عَنْهُ ثِيَابَ الدُّنُوبِ وَ الرَّجَاسَةِ ، وَ أَحَدَ ثِيَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِيُظْهِرَهَا ، فَلَبَسَهَا وَ طَافَ بِالْبَيْتِ ثُمَّ يَزُدُّهَا عَلَيْهِ إِذَا فَرَّغَ مِنْ طَوَافِهِ فَلَمَّا أَنْ ظَهَرَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَتَاهُ عِيَاضٌ بِهَدِيَّةٍ فَأَبَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يَقْبَلَهَا ، وَ قَالَ : يَا عِيَاضُ ، لَوْ أَسَلَمْتَ لَقَبِلْتُ هَدِيَّتَكَ ؛ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَبِي لِي زَبَدَ الْمُشْرِكِينَ . ثُمَّ إِنَّ عِيَاضًا بَعَدَ ذَلِكَ أَسْلَمَ وَ حَسَنَ إِسْلَامُهُ فَأَهْدَى إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَدِيَّةً فَقَبِلَهَا مِنْهُ .

عیاض در زمان جاهلیت ، آدم مهم و پر منزلتی بود و برای اهل عکاظ (بازار معروف و موسمی دوره جاهلیت) داوری می کرد. او هر وقت وارد مکه می شد، جامه های گناه آلود و پلید خود را از تنش در می آورد و جامه های رسول خدا صلی الله علیه و آله را به خاطر اینکه پاک بود، می گرفت و آنها را می پوشید و کعبه را طواف می کرد و چون طوافش تمام می شد به پیامبر صلی الله علیه و آله بر می گرداند پس از آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله قدرت یافت، عیاض هدیه ای برای حضرت آورد. رسول خدا صلی الله علیه و آله از پذیرفتن آن سر باز زد و فرمود: ای عیاض! اگر مسلمان شوی هدیه ات را می پذیرم. خداوند عز و جل خوش ندارد که من عطای مشرکان را بپذیرم. بعدها عیاض اسلام آورد و مسلمانی نیک و راستین شد و هدیه ای به رسول خدا صلی الله علیه و آله تقدیم کرد و پیامبر آن را از او پذیرفت.

(الكافي : ۵/۱۴۲/۲)

الكافي - به نقل از ابراهیم کرخی - :

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ تَكُونُ لَهُ الصَّيْعَةُ الْكَبِيرَةُ ، فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْمَهْرَجَانِ أَوْ التَّيْرُوزِ أَهَدَوْا إِلَيْهِ الشَّيْءَ لَيْسَ هُوَ عَلَيْهِمْ، يَتَقَرَّبُونَ بِذَلِكَ إِلَيْهِ ، فَقَالَ : أَلَيْسَ هُمْ مُضَلِّينَ ؟ قُلْتُ : بلى ، قَالَ : فَلْيَقْبَلْ هَدِيَّتَهُمْ وَ لِيُكَفِّرْهُمْ ؛ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ : لَوْ أَهْدَيْتَنِي إِلَى كُرَاعٍ لَقَبِلْتُ وَ كَانَ ذَلِكَ مِنَ الدِّينِ ، وَ لَوْ أَنَّ كَافِرًا أَوْ مُنَافِقًا أَهْدَى إِلَيَّ وَ سَقَا مَا قَبِلْتُ وَ كَانَ ذَلِكَ مِنَ الدِّينِ ، أَبِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِي زَبَدَ الْمُشْرِكِينَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ طَعَامَهُمْ .

از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مردی مالک آبادی بزرگی است و چون روز [جشن] مهرگان یا نوروز می شود بزرگان او هدایایی به او تقدیم می کنند که البته مکلف به این کار نیستند، بلکه می خواهند با این کار خودشان را به او نزدیک کنند [این هدایا چه حکمی دارد؟] حضرت فرمود: مگر نه اینکه آنان (کشاوریان) نماز گزارند؟ عرض کردم: چرا. فرمود: پس هدیه آنان را بپذیرد و متقابلاً به آنان هدیه ای بدهد؛ چرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر [مسلمانی] حتی پاچه گوسفندی برایم هدیه بیاورد، می پذیرم و این کار جزء دین است و اگر کافری یا منافقی یک بار شتر هم به من هدیه دهد نمی پذیرم و این جزء دین است. خداوند عز و جل برای من رضا نداده است که عطای مشرکان و منافقان و خوراک آنان را بپذیرم.

(الكافي : ۵/۱۴۱/۲)

**تشویق به پذیرفتن هدیه**

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :

لَوْ أَهْدَيْتَنِي إِلَى كُرَاعٍ . لَقَبِلْتُهُ .

اگر پاچه گاو یا گوسفندی هم به من هدیه دهند، آن را می پذیرم.

(الكافي : ۵/۱۴۲/۹)

## لَوْ دُعِيْتُ إِلَى كُرَاعٍ لِأَجْبِثُ ، وَ لَوْ أُهْدِيَ إِلَيَّ كُرَاعٌ لَقَبِلْتُ .

اگر به خوردن پاچه گاو یا گوسفندی هم دعوت شوم، قبول می کنم و اگر پاچه ای به من هدیه دهند، آن را می پذیرم.

(کتاب من لا يحضره الفقيه : ۲/۲۹۹/۴۰۷۰)

## لَوْ أُهْدِيَ إِلَيَّ كُرَاعٌ لَقَبِلْتُ ، وَ لَوْ دُعِيْتُ إِلَى ذِرَاعٍ لِأَجْبِثُ .

اگر پاچه ای هم به من هدیه شود، می پذیرم و اگر به خوردن سردست [گوسفندی] هم دعوت شوم، قبول می کنم.

(بحار الأنوار : ۷۷/۵۴/۳)

## مِنْ تَكْرِمَةِ الرَّجُلِ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَقْبَلَ تُحَفَّتَهُ ، وَ يُتَحَفَّهُ بِمَا عِنْدَهُ ، وَ لَا يَتَكَلَّفُ لَهُ شَيْئًا .

از احترام مرد به برادرش این است که پیشکش او را بپذیرد و از همان چیزی که نزد خود دارد به او پیشکشی دهد و برای پیشکش دادن چیزی به او، خود را به تکلف و زحمت نیندازد.

(الكافي : ۵/۱۴۳/۸)

کنز العمال : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

## عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - لِعَائِشَةَ لَمَّا أَهَدَتْ إِلَيْهَا امْرَأَةٌ مِسْكِيْنَةً هَدِيَّةً فَلَمْ تَقْبَلْهَا رَحْمَةً لَهَا - : أَلَا قَبِلْتِيهَا مِنْهَا وَ

## كَافِيَتِيهَا مِنْهَا؟! فَلَا تَرَى أَنَّكَ حَقَّرْتِيهَا ! يَا عَائِشَةُ ، تَوَاضَعِي فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَاضِعِينَ وَ يُبْغِضُ الْمُسْتَكْبِرِينَ .

زن مستمندی هدیه ای برای عایشه آورد، اما عایشه از روی ترخم و دلسوزی آن را قبول نکرد. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: چرا آن را قبول نکردی و متقابلاً هدیه ای به او ندادی که فکر نکند او را تحقیر کرده ای؟ ای عایشه!

فروتن باش؛ زیرا خداوند فروتنان را دوست می دارد و از افراد متکبر نفرت دارد.

(کنز العمال : ۱۴۴۸۲)

سنن ابی داوود :

## إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَانَ يَقْبَلُ الْهَدِيَّةَ وَ يُغَيِّبُ عَلَيْهَا .

پیامبر صلی الله علیه و آله هدیه را می پذیرفت و در برابر آن پاداش می داد.

(سنن ابی داوود : ۳/۲۹۰/۲۵۲۶)

### انواع هدیه

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :

## الْهَدِيَّةُ عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجُهٍ : هَدِيَّةٌ مُكَافَاةٌ ، وَ هَدِيَّةٌ مُصَانَعَةٌ ، وَ هَدِيَّةٌ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ .

هدیه بر سه گونه است: هدیه جبرانی، هدیه رشوه ای و تملق آمیز ، و هدیه به خاطر خداوند عز و جل.

(الكافي : ۵/۱۴۱/۱)

### بهترین هدیه

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :

## إِنَّ أَفْضَلَ الْهَدِيَّةِ أَوْ أَفْضَلَ الْعَطِيَّةِ ، الْكَلِمَةُ مِنْ كَلَامِ الْحِكْمَةِ يَسْمَعُهَا الْعَبْدُ ثُمَّ يَتَعَلَّمُهَا ، ثُمَّ يُعَلِّمُهَا ...

بهترین هدیه یا بهترین عطا ، سخن حکیمانه ای است که آدمی آن را بشنود و ابتدا خود آن را یاد بگیرد و سپس [به دیگران] یاد دهد ...

(کنز العمال : ۲۸۸۹۱)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :

## مَا أُهْدِيَ الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ عَلَى أَخِيهِ هَدِيَّةً أَفْضَلَ مِنْ كَلِمَةٍ حِكْمَةٍ ؛ يَزِيدُهُ اللَّهُ بِهَا هُدًى ، وَ يَزِدُّهُ عَنْ رَدِي .

بهترین هدیه ای که انسان مسلمان به برادر خود می دهد، سخن حکیمانه ای است که خداوند به سبب آن بر هدایت او بیفزاید و از هلاکت بازش دارد.



مَنْ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ ثُمَّ رُدَّتْ فَلَا يَبِغْهَا وَلَا يَأْكُلْهَا ؛ لِأَنَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ فِي شَيْءٍ مِمَّا جَعَلَ لَهُ ، إِنَّمَا هِيَ بِمَنْزِلَةِ الْعِتَاقَةِ لَا يَصْلُحُ لَهُ

رَدُّهَا بَعْدَ مَا يُعْتَقُ .

هر کس صدقه ای داد و سپس آن صدقه [به خودش] برگردانده شد، آن را نه بفروشد و نه خودش استفاده کند؛ زیرا خداوند در هر چیزی که برای او قرار داده شود (مختص او باشد) شریکی ندارد. آن صدقه در حقیقت به منزله بنده آزاد شده ای است که بعد از اینکه او را آزاد کرد دیگر درست نیست آن را برگرداند.

( بحار الأنوار : ۱۰۳/۱۸۹/۵ )

امام صادق علیه السلام - درباره مردی که صدقه ای می آورد تا به سائل بدهد، اما وقتی دم در می آید می بیند او رفته است - فرمود :

فَلْيُعْطِهَا غَيْرَهُ ، وَ لَا يَرُدُّهَا فِي مَالِهِ .

باید آن را به سائل دیگری بدهد و به مالش برنگرداند.

( بحار الأنوار : ۱۰۳/۱۸۸/۴ )

## آداب هدیه دادن

امام علی علیه السلام :

عُدْ مَنْ لَا يَعُوذُكَ ، وَ أَهْدِ إِلَى مَنْ لَا يُهْدِي إِلَيْكَ .

از کسی که از تو عیادت نمی کند، عیادت کن و به کسی که به تو هدیه نمی دهد، هدیه بده.

( کتاب من لا يحضره الفقيه : ۲/۳۰۰/۴۰۷۶ )

## هدیه کردن به اماکن متبرکه

امام علی علیه السلام :

لَوْ كَانَ لِي وَاوْدِيَانِ يَسِيلَانِ ذَهَبًا وَ فِضَّةً مَا أَهْدَيْتُ إِلَى الْكَعْبَةِ شَيْئًا ؛ لِأَنَّهُ يَصِيرُ إِلَى الْحَجَّيَةِ دُونَ الْمَسَاكِينِ .

اگر حتی دو رودخانه جاری از زر و سیم داشته باشم، کمترین چیزی به کعبه هدیه نمی کنم؛ چون نصیب حاجبان (برده داران و متولیان کعبه) می شود نه مستمندان.

( علل الشرائع : ۴۰۸/۱ )

علل الشرائع - به نقل از یاسین - :

سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ : إِنَّ قَوْمًا أَقْبَلُوا مِنْ مِصْرَ فَمَاتَ رَجُلٌ فَأَوْصَى إِلَى رَجُلٍ بِأَلْفِ دِرْهَمٍ لِلْكَعْبَةِ ، فَلَمَّا قَدِمَ مَكَّةَ سَأَلَ عَنْ ذَلِكَ فَدَلَّوهُ عَلَى بَنِي شَيْبَةَ فَأَتَاهُمْ فَأَخْبَرَهُمُ الْخَبْرَ ، فَقَالُوا : قَدْ بَرِثْتَ ذِمَّتَكَ ادْفَعْهَا إِلَيْنَا ، فَقَامَ الرَّجُلُ فَسَأَلَ النَّاسَ فَدَلَّوهُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ، قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ : فَأَتَانِي فَسَأَلَنِي فَقُلْتُ لَهُ : إِنَّ الْكَعْبَةَ غَنِيَّةٌ عَنْ هَذَا ، انْظُرْ إِلَى مَنْ أَمَّ هَذَا الْبَيْتَ وَ قُطِعَ ، أَوْ ذَهَبَتْ نَفَقَتُهُ ، أَوْ صَلَّتْ رَاجِلَتُهُ ، أَوْ عَجَزَ أَنْ يَرْجِعَ إِلَى أَهْلِهِ ، فَادْفَعْهَا إِلَى هَؤُلَاءِ الَّذِينَ سَمَّيْتَ لَكَ قَالَ : فَأَتَى الرَّجُلُ بَنِي شَيْبَةَ فَأَخْبَرَهُمْ بِقَوْلِ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَقَالُوا : هَذَا ضَالٌّ مُبْتَدِعٌ لَيْسَ يُؤْخَذُ عَنْهُ وَ لَا عِلْمَ لَهُ ، وَ نَحْنُ نَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْبَيْتِ وَ بِحَقِّ كَذَا وَ كَذَا لَمَّا أَبْلَغْتَهُ عَنَّا هَذَا الْكَلَامَ إِذَا قَالَ : فَأَتَيْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ لَهُ : لَقَيْتُ بَنِي شَيْبَةَ فَأَخْبَرْتُهُمْ فَرَعَمُوا أَنَّكَ كَذَا وَ كَذَا وَ أَنَّكَ لَا عِلْمَ لَكَ ، ثُمَّ سَأَلُونِي بِاللَّهِ الْعَظِيمِ لَمَّا أَبْلَغْتَهُ مَا قَالُوا . قَالَ : وَ أَنَا أَسْأَلُكَ بِمَا سَأَلُوكَ لَمَّا أَتَيْتَهُمْ فَقُلْتُ لَهُمْ : إِنَّ مِنْ عِلْمِي لَوْ وُلِّيتُ شَيْئًا مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ لَقَطَعْتُ أَيْدِيَهُمْ ثُمَّ عَلَّقْتُهَا فِي أَسْتَارِ الْكَعْبَةِ ، ثُمَّ أَقَمْتُهُمْ عَلَى الْمِصْطَبَةِ ، ثُمَّ أَمَرْتُ مُنَادِيًا يُنَادِي : أَلَا إِنَّ هَؤُلَاءِ سُرَاقُ اللَّهِ فَاعْرِفُوهُمْ .

از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود: گروهی از مصر آمدند و در این بین یکی از آنها درگذشت؛ اما پیش از آنکه بمیرد به مردی وصیت کرد از اموال او هزار درهم به کعبه تقدیم کند. چون آن مرد وارد مکه شد، در این باره که آن مبلغ را به چه کسی باید بدهد پرس و جو کرد. بنی شیبه را به او معرفی کردند. آن مرد نزد بنی شیبه رفت و موضوع را به آنان گفت. بنی شیبه گفتند: تو وظیفه ات را انجام داده ای؛ درهم ها را به ما بده. اما مرد برخاست و [دوباره] از مردم جویا شد. [این بار، مرد] او را به ابو جعفر محمد بن علی علیهما السلام راهنمایی کردند. شنیدم حضرت باقر علیه السلام فرمود: آن مرد نزد من آمد و تکلیف آن درهم ها را از من پرسید. من به او گفتم: کعبه از این چیزها بی نیاز است. بین چه کسی به زیارت این خانه آمده و در راه مانده است، یا خرجی اش تمام شده، یا شترش را گم کرده، یا چیزی ندارد که نزد خانواده اش برگردد، آن درهم ها را به اینهایی که برایت اسم بردم بده آن مرد نزد بنی شیبه برگشت و گفته ابو جعفر علیه السلام را به اطلاع ایشان رساند. بنی شیبه گفتند: او آدم گمراه و بدعتگذاری است و اطلاعی ندارد و نباید به حرف هایش گوش داد، و تو را به حق این خانه و به حق چه و چه سوگند می دهیم که این حرف ما را به